اخبار

روز گذشته و با حکم رئیس جمهور

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی شد

رئیس‌جمهور در حکمی به استناد اصل یکصدوهفتادوششم قانون اساسی، علی لاریجانی را به سمت دبیر شورای عالی امنیت ملی منصوب کرد.

به گزارش ایرنا از پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان در این حکم از دبیر شورای عالی امنیت ملی خواسته است ضمن نظارت مدبرانه و دقیق بر حسن اجرای امور دبیرخانه و هم‌افزایی دستگاه‌های مرتبط، نسبت به رصد و اولویت‌بندی مسائل و مخاطرات امنیت ملی، بویژه تهدیدات نوظهور و فناورانه، بازتعریف مفاهیم راهبردی و اتخاذ رویکرد هوشمندانه و مردم‌پایه متناسب با نظام مسائل امنیت ملی در راستای تحقق سیاست‌های کلی و منویات مقام معظم رهبری حرکت کرده تا کشور به امنیت پایدار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابد.

متن حکم رئیس‌جمهور به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای علی اردشیر لاریجانی

به استناد اصل یکصدوهفتادوششم قانون اساسی و نظر به مراتب تعهد، سوابق و تجارب گرانسنگ مدیریتی جناب عالی، به موجب این حکم به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی منصوب می‌شوید.

انتظار دارد با اتکال به خداوند متعال و تشریک مساعی سایر اعضای محترم شورا؛ ضمن نظارت مدبرانه و دقیق بر حسن اجرای امور دبیرخانه و هم‌افزایی دستگاه‌های مرتبط، نسبت به رصد و اولویت‌بندی مسائل و مخاطرات امنیت ملی، بویژه تهدیدات نوظهور و فناورانه، بازتعریف مفاهیم راهبردی و اتخاذ رویکرد هوشمندانه و مردم‌پایه متناسب با نظام مسائل امنیت ملی در راستای تحقق سیاست‌های کلی و منویات مقام معظم رهبری حرکت کنید تا به امنیت پایدار در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابید. هدف، پاسداری از انقلاب اسلامی، تأمین عزتمندانه منافع و حفظ انسجام ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور است.

تمام اموری که به امنیت ملی مربوط است، صرفاً از طریق دبیرخانه بررسی و تصمیم‌سازی شود. توفیقات روزافزون آن جناب را در انجام شایسته وظایف محوله از درگاه خداوند سبحان خواستارم و از خدمات ارزنده و خالصانه جناب آقای دکتر احمدیان طی دوره مسؤولیت نیز قدردانی و تشکر می‌کنیم.

مسعود پزشکیان
رئیس جمهوری اسلامی ایران

پژمانفر در ریاست کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ابقا شد

نمایندگان مجلس برای دومین سال متوالی حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر را به عنوان رئیس کمیسیون اصل ۹۰ انتخاب کردند.

در جریان نشست علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، رای‌گیری برای انتخاب رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در صحن برگزار شد که در نهایت حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر با رای نمایندگان برای دومین سال متوالی رئیس کمیسیون اصل ۹۰ باقی ماند.

کمیسیون اصل ۹۰ یکی از کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی است که وظیفه محول شده به مجلس در اصل نودم قانون اساسی را انجام می‌دهد. در اصل ۹۰ قانون اساسی آمده است: «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قضائیه مربوط است، رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام کند و در موردی که مربوط به عموم باشد، به اطلاع عامه برساند».

سردار نائینی:

رسانه‌ها در جنگ ۱۲ روزه قدرت ملی را به رخ کشیدند

سخنگوی سپاه در مراسم بزرگداشت شهدای خبرنگار، نقش رسانه‌ها را در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بسیار مؤثر دانست و گفت: رسانه‌ها توانستند میدان را روایت کنند و قدرت ملی را به رخ بکشند.

سردار محمدعلی نائینی در مراسم بزرگداشت شهدای خبرنگار که در دانشگاه انقلاب اسلامی برگزار شد، با تأکید بر اینکه جنگ اخیر یک جنگ تمام‌عیار بود، اظهار داشت: دشمن از همه دارایی‌های خود در این جنگ بهره برده است.

وی ویژگی‌های این جنگ را همزمانی جنگ‌های روانی، ادراکی، تکنولوژیکی و سخت دانست و افزود: هدف اصلی دشمن از بین بردن توان هسته‌ای ایران و تجزیه کشور بود.

سردار نائینی با اشاره به اینکه دشمن با روایت خودساخته در جنگ شناختی، جنگ را آغاز کرد، خاطرنشان کرد: این روایت مشابه روایتی است که شهریور ۵۹ برای آغاز جنگ تحمیلی مطرح شد اما آنها هرگز نتوانستند محاسبه درستی داشته باشند.

سخنگوی سپاه نقش رسانه را در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بسیار مؤثر دانست و گفت: رسانه‌ها توانستند میدان را روایت کرده و قدرت ملی را به رخ بکشند.

وی افزود: در مقابل جنگ رسانه‌ای دشمن، رسانه‌های داخلی موفق شدند انسجام ملی را به نمایش بگذارند و هم‌افزایی خوبی شکل بگیرد.

رئیس دستگاه قضا از برخورد قاطعانه با جواسیس وابسته به اسرائیل خبر داد

وعده اشد مجازات

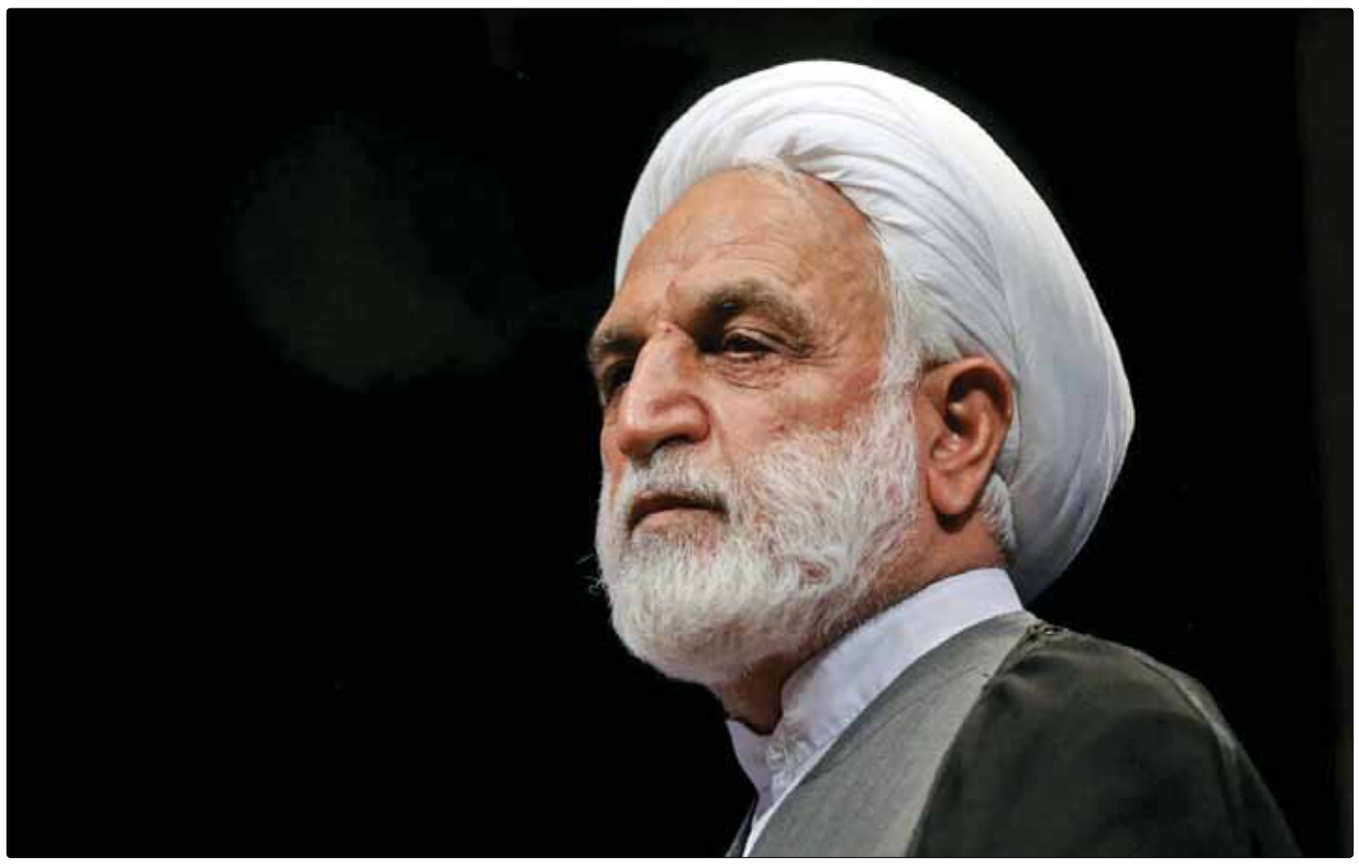

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل نشان داد تهدیدات امنیتی ناشی از جاسوسی و نفوذ دشمن، از اهمیت بالاتری نسبت به درگیری‌های نظامی برخوردار است. تلاش‌های این رژیم برای تحریک مردم ایران به آشوب و استفاده از عوامل میدانی، نشان‌دهنده استراتژی هدفمند آن برای بی‌ثبات‌سازی ایران بود.

برخورد قاطع با جاسوس‌ها و عوامل نفوذی که به مطالبه عمومی مردم ایران تبدیل شده، نه تنها برای حفظ امنیت ملی ضروری است، بلکه پیامی روشن به دشمنان ایران ارسال می‌کند که هرگونه تلاش برای نفوذ و خرابکاری با پاسخ سخت و قاطع مواجه خواهد شد. با درک این ضرورت، رئیس دستگاه قضا تاکید کرده «قطعاً با جواسیس برخورد قاطعانه و قانونی خواهیم داشت». حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌اژه‌ای در جریان سفر دیروز خود به استان خراسان شمالی، برخورد با جواسیس و عوامل وابسته به اسرائیل را مطالبه بر حقی دانست که از سوی دستگاه‌های امنیتی و قوه قضائیه پیگیری می‌شود. وی اطمینان داد پرونده افرادی که در جریان جنگ ۱۲ روزه برای رژیم صهیونیستی جاسوسی می‌کردند، با سرعت بیشتری بررسی خواهد شد.

■ جنگ ۱۲ روزه؛ میدان نظامی و امنیتی

جنگ ۱۲ روزه، که با تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران آغاز شد، با پاسخ‌های کوبنده ایران به نقاط استراتژیک در سرزمین‌های اشغالی همراه بود. این پاسخ‌ها که شامل حملات دقیق به زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی دشمن بود، قدرت دفاعی و تهاجمی ایران را به نمایش گذاشت.

با این حال، توانمندی‌های نظامی به تنهایی نمی‌تواند امنیت ملی را تضمین کند. جاسوسی و نفوذ، به دلیل توانایی در ایجاد خسارات غیرمستقیم و بلندمدت، می‌تواند اثرات مخرب‌تری نسبت به حملات نظامی داشته باشد. برای مثال، یک جاسوس با دسترسی به اطلاعات حساس می‌تواند اطلاعات کلیدی را به دشمن منتقل کند که به طراحی حملات دقیق‌تر یا تضعیف زیرساخت‌های حیاتی منجر شود. به همین دلیل، تقویت سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی برای شناسایی و خنثی‌سازی این تهدیدات، به اندازه ارتقای توانمندی‌های نظامی اهمیت دارد.

آنچه در جنگ ۱۲ روزه آشکار شد، تمرکز ویژه رژیم صهیونیستی بر فعالیت‌های جاسوسی و خرابکاری در داخل ایران بود. اسرائیل که بخوبی از محدودیت‌های نظامی خود در برابر ایران آگاه بود، استراتژی خود را بر استفاده از جاسوس‌ها و عوامل خرابکار داخلی در ایران متمرکز کرد.

کشف تعداد قابل توجهی از پهپادها و ریزپرنده‌های دشمن توسط نهادهای امنیتی و انتظامی ایران، همراه با بازداشت عوامل متعددی که در راستای اهداف دشمن فعالیت می‌کردند، نشان‌دهنده عمق تهدیدات امنیتی ناشی از جاسوسی است.

رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۱۲ روزه، علاوه بر حملات نظامی، تلاش گسترده‌ای برای تحریک مردم ایران به آشوب و ایجاد ناامنی داخلی انجام داد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بارها در اظهارات خود به ضرورت «تغییر رژیم» در ایران اشاره و از شبکه‌های جاسوسی و عوامل میدانی برای تحقق این هدف استفاده کرد. این استراتژی شامل استفاده از شبه‌رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای انتشار شایعات، ایجاد ترس غیرواقعی و تضعیف روحیه مردم ایران بود.

این موضوع نشان می‌دهد توانمندی‌های نظامی، هرچند ضروری، تنها در میدان نبرد مستقیم کاربرد دارد و تهدیدات نامتقارن ناشی از جاسوسی نیز به همان میزان حائز اهمیت است.

نکته قابل توجه این است که جنگ اطلاعاتی و جاسوسی یک خیابان دوطرفه است. همان‌طور که رژیم صهیونیستی تلاش کرد با استفاده از جاسوس‌ها و عوامل نفوذی به ایران ضربه بزند، ایران نیز در این حوزه دستاوردهای قابل توجهی داشته است. کشف بیش از ۲۰ پرونده جاسوسی در سرزمین‌های اشغالی از اکتبر ۲۰۲۳ و بازداشت بیش از ۴۰ نفر به اتهام همکاری با ایران، نشان‌دهنده عمق نفوذ ایران در ساختارهای امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی است.

پرونده‌هایی مانند مورد «موتی مامان» تاجر ۷۲ ساله ساکن اشکلون که اطلاعات حساس را به مأموران اطلاعاتی ایران منتقل می‌کرد، ضربه سنگینی به دستگاه‌های امنیتی اسرائیل وارد کرد. این پرونده‌ها که شامل سرقت اسناد از وزارت امنیت داخلی، سرورهای برنامه هسته‌ای و پایگاه‌های نظامی بود، نشان‌دهنده «شکست عمیق اطلاعاتی» رژیم صهیونیستی در برابر ایران است. این موفقیت‌ها نه‌تنها قدرت اطلاعاتی ایران را به نمایش گذاشت، بلکه نشان داد ایران قادر است در «نبرد سایه‌ها» به طور مؤثری با دشمن مقابله کند.

■ مطالبه عمومی و پاسخ دستگاه قضایی

از آغاز جنگ ۱۲ روزه، مردم ایران به طور گسترده از دستگاه‌های امنیتی و قضایی خواستار برخورد قاطع و سریع با جاسوس‌ها و عوامل خرابکار شدند. این مطالبه که ریشه در آگاهی جامعه از تهدیدات امنیتی دارد، نشان‌دهنده بلوغ سیاسی و اجتماعی مردم ایران است. مردم بخوبی درک کرده‌اند جاسوسی و نفوذ می‌تواند امنیت ملی را به خطر بیندازد و به همین دلیل خواستار پاسخ قاطع و سریع دستگاه‌های امنیتی و قضایی شده‌اند.

اظهارات رئیس قوه قضائیه در جریان سفر به استان خراسان شمالی، نشان‌دهنده درک این مطالبه عمومی و تعهد دستگاه قضا به پیگیری آن است. تأکید اژه‌ای بر برخورد «قاطعانه و قانونی» با جاسوس‌ها و تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با جنگ ۱۲ روزه، پیامی روشن به دشمنان ایران ارسال می‌کند: هرگونه تلاش برای نفوذ و خرابکاری، با پاسخ سخت مواجه خواهد شد؛ رویکردی که مشخصا به حفظ امنیت ملی کمک می‌کند.

موفقیت نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایران در شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات میدانی و خرابکارانه، نقشی کلیدی در حفظ ثبات کشور در طول جنگ ۱۲ روزه داشت. بازداشت بیش از ۷۰۰ نفر از عوامل وابسته به دشمن، کشف ابزارهای جاسوسی مانند پهپادها و ریزپرنده‌ها و خنثی‌سازی عملیات خرابکارانه، نشان‌دهنده توانمندی بالای دستگاه‌های اطلاعاتی ایران بود. با این حال، این موفقیت‌ها نباید به معنای پایان تهدید تلقی شود؛ جاسوسی و نفوذ، به دلیل ماهیت پنهان و پیچیده خود، همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های امنیتی برای ایران باقی خواهد ماند.

درباره تحلیل‌های ساده‌گرایانه و ابزاری حجاریان از سیاست ایران و جهان

چه کسی حق سیاست‌کشی دارد؟

گروه سیاسی: بتازگی سعید حجاریان از چهره‌های شناخته‌شده جریان اصلاح‌طلب در یادداشتی با عنوان «چه کسی حق سیاست‌ورزی دارد؟» از اقدامات مصطفی تاج‌زاده دفاع نظری کرده است. حجاریان در این یادداشت تلاش می‌کند از عمل تاج‌زاده در چارچوب حق سیاست‌ورزی دفاع کند.

اما مساله اصلی آن است که این اقدامات را برخلاف تصور حجاریان، بیش از آنکه بتوان ذیل مفهوم «سیاست» تبیین کرد، باید در چارچوب «خشونت» توضیح داد. سیاست زمانی معنا پیدا می‌کند که خشونت پایان یافته باشد و سیاست در عرصه قانونمند شکل بگیرد اما تاج‌زاده در عمل در آستانه مرز میان خشونت و سیاست ایستاده و به استقبال خشونت رفته است. از این منظر، او نه بازیگر میدان سیاست، بلکه بازیگری در میدان خشونت تلقی می‌شود. عمل و گفتار سیاسی او طلیعه‌ای بر پایان سیاست و آغاز خشونت است. عمل او سیاست‌کشی است تا سیاست‌ورزی.

■ مسأله حق سیاست‌ورزی در جهان مدرن

حجاریان در یادداشت خود بر مفهوم «حق سیاست‌ورزی» تکیه می‌کند و آن را یکی از حقوق بنیادین بشر قلمداد می‌کند. او می‌نویسد در نظام جمهوری اسلامی این حق از برخی شهروندان سلب شده است؛ در حالی که در دموکراسی‌های چندسالار (پلی‌آرشی) غربی مانند آمریکا، این حق برای همه محفوظ مانده است. این مقایسه اما در عمل با شواهد متعدد نقض می‌شود. تنها در کمتر از ۲ سال گذشته، بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی حامی فلسطین در بیش از ۶۰ دانشگاه آمریکا زندانی، بازداشت، تعلیق یا اخراج شده‌اند. بسیاری از این دانشجویان از «حق تحصیل» محروم شده‌اند.

به‌نظر می‌رسد آقای حجاریان در مواجهه با غرب بیشتر دچار نوعی غرب‌گرایی ذهنی شده تا واقع‌گرایی تحلیلی. او دموکراسی پلی‌آرشی را با نوعی یوتوپیای مشارکت سیاسی اشتباه گرفته است؛ حال آنکه این نظریه، در برابر ایده ژاکوبنیسم (دموکراسی مردم بر مردم) طرح شده است. رابرت دال، نظریه‌پرداز اصلی این مدل تصریح می‌کند که دموکراسی در معنای کلاسیک آن، یعنی حکومت مستقیم مردم بر مردم، هرگز محقق نشده و نخواهد شد. از این‌رو، او به جای آن، دموکراسی را به مثابه رقابت نهادهای قدرت و فروش سیاست به مردم در نظر می‌گیرد. در این صورت‌بندی، مردم تنها می‌توانند از میان کالاهای سیاسی عرضه‌شده توسط گروه‌های قدرت، یکی را انتخاب کنند، نه اینکه واقعاً حاکم باشند.

■ حدود و مرزهای سیاست‌ورزی

مساله بعدی در یادداشت حجاریان، پیش‌فرض سیاست‌ورزی به عنوان حقی مطلق، فراگیر و بدون حد و مرز است اما چنین پیش‌فرضی نه در جمهوری اسلامی ایران و نه در هیچ نظام سیاسی سکولار دیگری در جهان پذیرفته نیست. در جمهوری اسلامی، حق مشارکت سیاسی به رسمیت شناخته شده است. مردم حق دارند نقد کنند، رأی دهند، مطالبه‌گری کنند و اعتراضات خود را از طریق قانونی اعلام کنند اما وقتی کنش سیاسی از چارچوب قانون اساسی خارج می‌شود و به سمت براندازی، تحریک علیه نهادهای قانونی یا تشویش افکار عمومی حرکت می‌کند، دیگر نمی‌توان آن را سیاست‌ورزی نامید.

حتی در دموکراسی‌های غربی نیز سیاست‌ورزی در چارچوب‌های خاص تعریف می‌شود و عبور از آن با برخوردهای سخت امنیتی مواجه می‌شود. نمونه مشخص و متاخر آن در آلمان رخ داد؛ جایی که ۷ دسامبر ۲۰۲۲، نیروهای امنیتی این کشور بزرگ‌ترین عملیات امنیتی دهه‌های اخیر را علیه یک گروه راست‌گرا به نام «شهروندان امپراتوری» انجام دادند. این گروه هنوز هیچ اقدام عملی برای براندازی انجام نداده بود اما صرف گفت‌وگوهای محفلی برای براندازی، باعث شد اعضای آن به چندین سال زندان محکوم شوند. در این کشور بتازگی نیز فعالیت گروهی موسوم به «پادشاهی خودخوانده آلمان» رسماً ممنوع اعلام شد و رهبران آن بازداشت شدند. بنابراین برخورد با کنش‌های شبه‌براندازانه نه خاص ایران، بلکه رویه‌ای جهانی در نظام‌های سیاسی مدرن است.

■ روایت‌سازی به‌جای واقع‌گرایی

سعید حجاریان در تلاش برای دفاع نظری از تاج‌زاده، نه از منظر تبیینی و تحلیلی، بلکه از منظر پیکاری و ایدئولوژیک به موضوع نگاه کرده است. روایت‌سازی او از تاج‌زاده به مثابه نماد حق‌طلبی، بیش از آنکه بازتاب واقعیات سیاست در ایران باشد، تلاشی است برای جعل روایت جدید از سیاست‌ورزی. به واقع، او با جعل یک شخصیت، مفاهیم سیاست را تحریف کرده و مرز میان سیاست‌ورزی و خشونت‌طلبی را مخدوش کرده است. در این میان، نظریه‌های غربی و مفاهیمی سیاسی، صرفاً به ابزاری برای توجیه جهت‌گیری‌های سیاسی او بدل شده، نه ابزاری برای درک یا توضیح وضعیت.

■ ۲ پیش‌فرض غلط در تحلیل‌های حجاریان

در فرجام سخن لازم به تاکید است تحلیل‌های سعید حجاریان از تحولات سیاسی، دچار ۲ پیش‌فرض نادرست است که باعث می‌شود او درک درستی از واقعیت‌های امروز غرب و سیاست جهانی نداشته باشد.

پیش‌فرض اول، نگاه وبری به سیر تحول جوامع: حجاریان بر این باور است جوامع انسانی در مسیری خطی، مشابه آنچه ماکس وبر درباره عقلانی شدن و بروکراتیزه شدن جوامع مدرن مطرح کرده، حرکت می‌کنند. او گمان می‌کند همه جوامع، دیر یا زود، در مسیر مشابه غرب حرکت می‌کنند اما این دیدگاه ساده‌انگارانه است. تجربه کشورهای مختلف نشان داده مسیرهای تحول تاریخی و سیاسی بسیار متنوع و پیچیده‌اند و نمی‌توان آنها را در قالب یک الگوی خطی در چارچوب تاریخ غرب تحلیل کرد.

پیش‌فرض دوم، همانندانگاری انقلاب اسلامی با انقلاب بلشویکی و جمهوری اسلامی با شوروی: حجاریان بارها در سخنان و نوشته‌های خود کوشیده جمهوری اسلامی ایران را مشابه اتحاد جماهیر شوروی سابق تصویر و انقلاب اسلامی را در راستای انقلاب‌های چپ‌گرای قرن بیستم تحلیل کند اما در واقع هیچ‌گونه هم‌ریشه‌گی معرفتی، دینی یا جامعه‌شناختی میان این ۲ تجربه وجود ندارد. جمهوری اسلامی برخاسته از زمینه‌های فرهنگی، دینی و تاریخی خاص ایران است، در حالی که شوروی مبتنی بر ایدئولوژی مادی‌گرای مارکسیستی و با سرکوب مذهب تأسیس شد. این تشابه‌سازی تحلیلی نه‌تنها نادرست، بلکه گمراه‌کننده است.

برآیند این ۲ پیش‌فرض نادرست، تحلیل‌های ساده‌گرایانه و ابزاری حجاریان از سیاست جهان و ایران است. او به جای آنکه نظریه‌پرداز و در تلاش برای تبیین وضعیت موجود با اتکا به چارچوب‌های تحلیلی دقیق باشد، بیشتر کنشگری سیاسی است که مفاهیم نظری را همچون ابزارهایی برای پیشبرد اهداف سیاسی خود به‌کار می‌گیرد. بنابراین در نوشته اخیر او نیز بیش از آنکه با یک تبیین نظری مواجه باشیم، با یک پروژه ایدئولوژیک مواجهیم که هدف آن صرفاً توجیه یک جریان خاص سیاسی و نه تحلیل بی‌طرفانه سیاست معاصر است. این امر نشان می‌دهد «حق سیاست‌ورزی» در نظر حجاریان، نه یک اصل فراگیر، بلکه ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به کنش دوستان سیاسی او است.

حرکت روی روان صهیونیست‌ها

نگاه

ادامه از صفحه اول

از بحث دور نشویم، شاهکار امنیتی حماس این است که ده‌ها اسیر را در یک گستره کوچک ۳۶۰ کیلومترمربعی که بخش‌های زیادی از آن هم در اشغال ارتش اسرائیل است مخفی کرده و هنوز اسرائیل نتوانسته مخفیگاه این افراد را شناسایی کند. در بعد عملیات روانی نیز حماس نشان داده هم کار خودش را خوب بلد است و هم جامعه اسرائیلی را بخوبی می‌شناسد. انتشار تصاویر هدفمند از اسرا در مقاطع مختلف، شیوه تبادل اسرای اسرائیلی با اسرای فلسطینی در ماه‌های گذشته - که خشم طرف اسرائیلی را هم در پی داشت - و حتی شیوه انتشار فیلم‌های عملیات رزمندگان فلسطینی در غزه همگی موید این است که حماس می‌داند چطور باید روی مغز صهیونیست‌ها راه برود. طی روزهای گذشته فیلم جدیدی از یکی از اسرای اسرائیلی به نام «آویتار داوید» توسط حماس منتشر شد که تاثیری بزرگ در جامعه اسرائیلی گذاشت.

در این فیلم، اسیر اسرائیلی در حالی که مدت‌هاست بر اثر سوءتغذیه پوست و استخوان شده، نشان داده می‌شود که در حال کندن قبر خودش است. شاید در طول جنگ اخیر هیچ فیلمی تا این اندازه تاثیرگذار نبوده است.

انتشار این فیلم شوک بزرگی به جامعه اسرائیلی بود. خانواده‌های اسرا به همراه مخالفان دولت فشار را برای پایان دادن به جنگ و آزادی اسرا از طریق توافق چند برابر کرده‌اند و دولت نتانیاهو را که تحت فشار جناح راست همچنان در بوق جنگ می‌دمد، در موقعیتی بحرانی قرار داده‌اند.

همه اینها در حالی است که غزه در ماه‌های اخیر در سایه سکوت ننگین دولت‌های اسلامی و عربی، بشدت از بی‌غذایی و بی‌آبی رنج می‌برد. هزاران کودک و زن و مرد و پیر و جوان بر اثر نبود تکه‌ای نان یا جرعه‌ای آب می‌میرند و تصاویر ثبت شده از آنها دل هر انسان آزاده‌ای را آب می‌کند.

حماس با این فیلم چند هدف را دنبال می‌کند که یکی از آنها همان عملیات روانی‌ای است که در بالا اشاره شد اما هدف دیگر، نشان دادن وضعیت نوار غزه است.

دولت اسرائیل تا امروز قحطی در غزه را رد می‌کند و سخنگوی ارتش هم تصاویر کودکان فلسطینی را که بر اثر بی‌غذایی در آستانه مرگ قرار دارند ساختگی و نمایش خوانده است؛ اظهاراتی که حتی در رسانه‌های اسرائیلی هم مورد تمسخر و انتقاد قرار گرفت. حالا با انتشار تصاویر آویتار داوید، مقامات اسرائیل از جامعه جهانی خواسته‌اند هرچه زودتر و به هر شکل ممکن جلوی حماس را بگیرند اما حماس کار خاصی نکرده است، حماس تنها با این فیلم به جهانیان فهماند قحطی تا چه حد در غزه وجود دارد. اسیر اسرائیلی همان وضعی را دارد که کودکان فلسطینی در غزه دارند و ظاهراً تنها به این شکل است که شاید بتوان تکانی به جامعه جهانی برای جلوگیری از نسل‌کشی اسرائیل در غزه و ممانعت از ورود کمک‌های غذایی و دارویی برای شکستن این قحطی که تاکنون جان هزاران نفر را به شکلی بسیار فجیع‌تر از وضع آویتار داوید گرفته، داد.